

دراسة وجهة نظر بعض علماء أهل السنة فيما يتعلق بإذن الصيام أثناء السفر ونقدها

حسين اسماعيلي^١

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/١٠/٢٧؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/٠٦/٠٩ هـ ش]

الملخص

الصيام هو واحد من الواجبات التي شرعها الإسلام للمسلمين في شهر رمضان المبارك، ما لم يكن الشخص مريضاً أو مسافراً. البحث الحالي يتناول موضوع الصيام أثناء السفر من وجهة نظر القرآن الكريم، وذلك بناءً على آية ١٨٣ من سورة البقرة، وتسكف حكم المسافر في التعامل مع صيامه إذا تحققت شروط السفر: الرخصة أم العزيمة؟ الفقهاء الإماميين، باتباع أهل البيت (عليهم السلام)، وبعض الصحابة ومفسي أهل السنة، أصدروا فتوى بتحريم الصوم أثناء السفر، التي تكون العزيمة على ترك الصيام؛ ولكن معظم فقهاء أهل السنة يعتقدون أن المسافر لديه خيار بين الصوم وعدم الصوم، وقد أصدروا فتوى بالرخصة. هذه الدراسة تستعرض وتقيم هذا الرأي وتسعى إلى تقييم مدى إعتباره علمياً من وجهة نظر الفقه. نتائج البحث تشير إلى أن الرأي المذكور غير مقبول، وبعد تقييمه يكون رأي الفقهاء الإماميين مؤيداً. نظراً بأن السفر في الوقت الحالي لم يعد صعباً بفضل التسهيلات المتاحة للأفراد، هل يجب الصيام وأداء الصلاة بكاملهما أثناء السفر؟ في الجواب على هذا السؤال، يجب أن نقول أن فلسفة إلغاء صيام المسافر، لا تزال غير معلومة لنا، ولكن تعتبر الصعوبة أثناء السفر بالمقاييس مع أحكام المسافر، حكمة وحتى إذا غابت، يبقى حكم صيام المسافر مكانه. فلذلك، فإن السفر في الوقت الحاضر، سواء كان صعباً أم لا، ليس له مكانة ولا يؤثر على حكم الصيام للمسافر. تمت هذه الدراسة باستخدام منهج تحليلي ووصفي واجتهادي.

الكلمات المفتاحية: الصيام، صيام المسافر، الرخصة، العزيمة، القرآن، فقه أهل السنة.

١. أستاذ مساعد في جامعة بيام نور، قسم الفقه والقانون، طهران، إيران. hosain_esmaily@pnu.ac.ir

بررسی دیدگاه برخی از علمای اهل سنت درباره رخصت روزه در سفر و نقد آن

حسین اسماعیلی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹]

چکیده

روزه یکی از واجباتی است که اسلام برای مسلمانان در ماه مبارک رمضان تشریح کرده است، مگر افرادی که مریض یا مسافر باشند. پژوهش پیش رو به موضوع حکم روزه در سفر از دیدگاه قرآن کریم با توجه به آیه ۱۸۳ سوره بقره پرداخته است که مسافر با محقق شدن شرایط سفر، روزه اش دارای چه حکمی است: رخصت یا عزیمت؟ فقهای امامیه به پیروی از اهل بیت (ع) و برخی از صحابه و مفسران اهل سنت حکم به تحریم روزه در سفر کرده اند که همان عزیمت بر ترک روزه است؛ اما بیشتر فقهای اهل سنت باور دارند مسافر در گرفتن و نگرفتن روزه در سفر مخیر است و حکم به رخصت داده اند. پژوهش پیش رو به نقد این دیدگاه می پردازد و تلاش شده است میزان اعتبار علمی این دیدگاه از نظر فقهی بررسی شود. نتایج تحقیق نشان می دهد دیدگاه مطرح شده پذیرفتنی نیست؛ نیز با توجه به نقد این نظریه، نظر فقهای امامیه تأیید شده است. با توجه به اینکه امروزه با امکانات راحت در اختیار مردم مسافرت همراه با دشواری نیست، آیا باید در سفر روزه گرفت و نماز را کامل خواند؟ در جواب باید گفت فلسفه بطلان روزه مسافر مانند برخی دیگر از احکام بر ما پوشیده است، بلکه سختی در سفر در برابر احکام مسافر، حکمت است که با منتفی شدن آن حکم روزه مسافر همچنان باقی است؛ بنابراین سفرهای امروزی همراه با سختی باشد یا نباشد، نقش و تأثیری در حکم روزه مسافر نخواهد داشت. این پژوهش با روشی تحلیلی، توصیفی و اجتهادی انجام پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: روزه، روزه مسافر، رخصت، عزیمت، قرآن، فقه اهل سنت.

مقدمه

مسافرت یکی از ضرورت‌های زندگی بشر از کهن‌ترین روزگاران بوده است که جزئی از زندگی او را شکل می‌داد. خداوند در مسافرت از بندگان خود نمازهای چهاررکعتی را قصر یعنی دورکعتی خواسته است و آنان را از روزه گرفتن در سفر معاف دانسته است؛ این مسئله هدیه‌ای است از طرف خداوند به بندگان. هدف اصلی این پژوهش اثبات دیدگاه حرام بودن روزه در سفر است، نه اینکه مسافر بین روزه گرفتن و روزه نگرفتن در سفر اختیار دارد یا اینکه باید در سفر روزه بگیرد، آن‌گونه که برخی از فقها و مفسران اهل سنت پنداشته‌اند.

کلمه «صوم» در قرآن کریم به صراحت بیان شده است و وجوب آن یقینی است که خداوند، از آن به کتابت تعبیر کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳). این واجب الهی در ادیان گذشته هم وجود داشته است؛ چنانچه از آیه شریفه استفاده می‌شود و روزهای آن هم ماه مبارک رمضان است که از آن تعبیر به «ایام معدودات» شده است. سپس آیه شریفه دو گروه را استثنا می‌کند که نباید روزه بگیرند: مریض و مسافر.

از آنجا که بر این دو گروه روزه گرفتن دشوار است و خداوند سختی را برای بندگان نمی‌خواهد، آنان را از روزه گرفتن معاف دانسته است. با توجه به آیه شریفه و روایات وارد شده، در این پژوهش نظریه رخصت و عزیمت بحث و بررسی شده است که آیا مسافر اختیار دارد در سفر روزه بگیرد یا نگیرد؟ دیدگاه برخی بر رخصت است که بعضی از فقها و مفسرین اهل سنت به آن اعتقاد دارند؛ برخی نیز باورمند به عزیمت هستند؛ به این معنا که روزه گرفتن در سفر حرام است که دیدگاه فقها و مفسرین امامیه است.

روژه ماه رمضان از واجباتی است که در ماه شعبان سال دوم هجری در اسلام تشریح شد. این عمل بر هر مکلفی واجب است و جز در مواردی که از سوی خداوند استثنا شده است،

از عهده مکلف ساقط نمی شود؛ با این وجود آیه ۱۸۴ سوره بقره «أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٍ مَشْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، ظهور در این مطلب دارد که سفر، بیماری، امکان نداشتن و طاقت بر روزه موجب افطار روزه ماه رمضان می گردد. مفسران و فقهای فریقین اختلاف نظر دارند که آیا روزه نگرفتن بیمار و مسافر در ماه رمضان، عزیمت یا رخصت است؟ بررسی آرای مفسران و فقهای امامیه نشان از آن است که اگر بیماری به حد مشقت و ناتوانی فرد از روزه یا ضرر برسد، مسافر در حال سفر که به حد ترخص رسیده است و فردی که روزه برای او فوق طاقت و توان اوست، به طور وجوبی موجب اسقاط تکلیف روزه از فرد می گردد و فرد باید در ماه رمضان روزه نگیرد؛ در واقع حکم وجوب افطار روزه برای این افراد عزیمت است و در صورتی که فرد بر خلاف این حکم عمل کند، عمل او خلاف دستور الهی و سیره نبوی است. همچنین علمای امامیه سه آیه ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره را پیوسته و هم سیاق با هم می دانند و در راستای هم معنا کرده اند. این آیات سه گانه مانند کلام واحدی هستند که یک غرض را بیان می کنند و آن هم بیان وجوب روزه ماه رمضان است.

تفسیر فریقین از «ایاماً معدودات»

«واژه یوم در اصل به معنای روز و به فاصله زمانی که از طلوع فجر تا غروب آفتاب را شامل می شود، اطلاق می گردد؛ اما در مواردی به مدتی از زمان و وقت نیز گفته می شود» (قرشی، ۱۳۵۴: ج ۷، ص ۲۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۲، ص ۶۴۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۴۳۳). فقهای فریقین اتفاق نظر دارند منظور از ایام معدود، ماه رمضان است. «همچنین از آنجا که آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» تبیین عبارت «ایاماً معدودات» است و سیاق کلام نشان می دهد این سه آیه (بقره، ۱۸۳ - ۱۸۵)، کاملاً به هم مرتبط و پیوسته است، در نتیجه این مطلب که منظور از ایام معدود برای روزه، ماه رمضان است که در آیه بعدی بیان شده،

نظر قریب به اتفاق علمای فریقین است» (جرجانی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۲۶۰؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۱۷۵). قرطبی بیان کرده است: «مسلم است که حد سفر در شکسته شدن روزه، همان حدی است که برای قصر نماز در نظر گرفته می شود» (قرطبی، ۱۴۱۹: ص ۱۴۲). به تعبیر راغب اصفهانی: «سفر در لغت به معنای کشف شدن پوشش است، اختصاص به اعیان دارد، مانند سفرالعمامة عن الرأس و الخمار عن الوجه یعنی برداشتن عمامه از سر و نقاب از صورت، انسان گاهی سفر می کند و مکان پنهان می شود از او و از لفظ سفره گرفته شده، برای غذای سفره و برای آنچه گذاشته می شود در آن» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ص ۲۳۹). طبرسی نوشته است: «مسافرت را از آن جهت سفر گویند که اخلاق مردم در آن آشکار می شود؛ به طوری که در غیر آن آشکار نمی شود» (طبرسی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۱۱۲).

تعریف فقهی سفر

امام خمینی سفر را این گونه معنا کرده اند: «اگر شخصی به اندازه هشت فرسخ مسافت بییماید، مسافر محسوب شده، باید نمازهای چهار رکعتی را به صورت قصر بخواند و روزه هم نباید بگیرد». نیز ایشان نوشته اند: «شرط است در قصر برای مسافر، اموری از جمله مسافت و آن هشت فرسخ، رفت یا برگشت، یا رفت و برگشت به شرط اینکه رفت کمتر از چهار فرسخ نباشد» (خمینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۴۷).

حکم قرآن کریم در ارتباط با روزه

خداوند در قرآن کریم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ

الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لَتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره: ۱۸۳ - ۱۸۵): ای افرادی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد، شاید که پرهیزگار شوید. چند روز مشخصی را [باید روزه بگیرید] و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد، بایستی تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد و بر کسانی که روزه بر آنها طاققت فرساست، لازم است کفاره بدهند؛ فقیری را غذا دهند و کسی که بخواهد کار خیر بیشتری انجام دهد، برای او بهتر است و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید. [روزهایی که باید روزه بگیرید] ماه رمضان است، ماهی که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که ماه رمضان را درک کند، روزه بدارد و آن کس که بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرد. خداوند راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را. تا این روزها را تکمیل کنید و خداوند را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید، باشد که شکرگزاری کنید». آیت الله سبحانی نوشته‌اند: «این آیه‌ها تکلیف چهار گروه را بیان می‌کند. آن چهار گروه عبارت‌اند از:

۱. وجوب روزه برای تمام کسانی که ماه مبارک رمضان را درک می‌کنند.
۲. خداوند به روشنی حکم مریض را مشخص کرده است: "فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا".
۳. مسافر: "فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ" که وجوب روزه نگرفتن را ثابت می‌کند.
۴. ناتوان: "وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ"؛ منظور از ناتوان، پیرمرد و پیرزنی است که نمی‌تواند روزه بگیرد یا در اثر روزه گرفتن به سختی می‌افتد. دلیل‌های ذکر شده در ادامه بررسی می‌شود:

دلیل اول: گرفتن روزه در روزهای دیگر، علامت واجب نبودن روزه در روزهای ماه رمضان است. اگر روزهایی را که روزه نگرفته است، واجب باشد؛ پس افطارکردن در ماه رمضان واجب خواهد شد.

دلیل دوم: برداشت از عبارت اول این است که اگر فردی ماه رمضان را درک کرد، روزه آن بر او واجب می شود؛ معنای عبارت دوم این است که مسافر نباید روزه دار باشد، عبید بن زراره می گوید از امام صادق (ع) درباره آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» سؤال کردم. امام صادق (ع) در پاسخ فرمود: معنای آن واضح است؛ افراد در ماه رمضان باید روزه بگیرند و مسافر نباید روزه بگیرد (حر عاملی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۱۲۵).

دلیل سوم: معنای جمله «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ» آن است که آنچه از ابتدا بر بیمار و مسافر واجب شده است، روزه گرفتن در روزهایی غیر از ماه مبارک رمضان است؛ در نتیجه روزه آنها در ماه رمضان بدعت و حرام است؛ زیرا در طول سال به اتفاق مسلمانان روزه دو بار واجب نشده است.

دلیل چهارم: نام بیمار و مسافر در آیه کنار هم آمده است؛ بنابراین حکم به جایز بودن روزه نگرفتن برای مسافر - نه بیمار - با آیه هماهنگی ندارد. اگر جایز بودن هر دو گروه را دربر بگیرد، آیا کسی از فقها درباره بیماری که روزه برایش ضرر دارد، به جواز روزه حکم می کند؟ (سبحانی، ۱۳۸۶: ص ۶۶).

اقوال فقهای اهل سنت

ابن حزم می گوید: «جمهور اهل سنت از جمله فقهای مذاهب چهارگانه بر این عقیده اند که روزه نگرفتن در سفر جایز است؛ البته آیا روزه نگرفتن برتر است یا روزه گرفتن؟ میان آنان اختلاف است» (ابن حزم، [بی تا]: ج ۶، ص ۲۵۸). جصاص گفته است: «روزه گرفتن در سفر

از روزه نگرفتن برتر است». مالک و ثوری گفته‌اند: «روزه گرفتن در سفر برای کسی که توانایی دارد، نزد ما بهتر است». شافعی گفته است: «اگر کسی در سفر روزه بگیرد، کفایت می‌کند» (جصاص، ۱۳۳۵: ج ۱، ص ۱۵).

شافعی گفته است: «این مسئله با کوتاه خواندن نماز در سفر قیاس می‌شود؛ زیرا در سفر اکتفا کردن به دورکعت بهتر از تمام خواندن نماز است. روزه نیز چنین است؛ زیرا سفر در هر دو تأثیر دارد. رسول خدا (ص) فرمود خداوند بخشی از نماز و روزه را از مسافر برداشته است» (سرخسی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۹۱-۹۲).

ابن قدامه گفته است: «وظیفه مسافر در جواز روزه نگرفتن و کراهت روزه و مجزی بودن آن، مانند وظیفه بیمار است و حکم جواز روزه نگرفتن با نص و اجماع ثابت است. اکثر اهل علم قایل‌اند که اگر مسافر روزه بگیرد، مجزی است ... و روزه نگرفتن در سفر برتر است» (ابن قدامه، ۱۳۴۷: ج ۳، ص ۱۷-۱۹). به تعبیر قرطبی: «در اینکه در سفر و مرض، روزه افضل است یا افطار آن، میان علمای اهل سنت اتفاق رأی نیست. روایات ایشان در مورد انتخاب افضل، متفاوت است؛ به طوری که روایات رسیده از صحابه مانند انس بن مالک و عثمان بن ابی‌العاص ثقفی روزه را ارجح می‌دانند و روایات رسیده از تابعان همچون سعید بن مسیب، شعبی، عمر بن عبدالعزیز، مجاهد، قتاده و اوزاعی به تناسب آیه "یریدُ اللهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ" (بقره: ۱۸۵) افطار را ارجح می‌دانند. با این حال از مالک و شافعی و ابوحنیفه نقل شده است برای کسی که توان روزه در سفر دارد، روزه افضل است؛ با این وجود فرد کاملاً مخیر است» (قرطبی، ۱۴۱۹: ص ۱۴۲). به تعبیر سیوطی: «مکلف تا وقتی به زحمت زیاد نیفتد، روزه در هر حالتی برای او ترجیح دارد» (سیوطی، ۱۳۹۹ق: ص ۳۸). «چنان‌که در روایاتی چند از برخی صحابه همچون انس بن مالک نقل شده است: در سفری که همراه پیامبر بودیم، برخی روزه‌دار بودند و برخی بی‌روزه. مالک و ابوحنیفه

بر آن اند که روزه داشتن در سفر بهتر از افطار است؛ ولی شافعی افطار را مقدم می‌شمارد و حکم خویش را به برخی روایات مستند می‌کند. در این میان گروهی نیز افطار روزه در سفر جنگی را بر انجام آن ترجیح می‌دهند» (قرطبی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۲۸۰ و ۲۸۶). ابن عربی بیان می‌کند: «با استناد به اطلاق "أن تصوموا خیر لکم" در آیه، روزه گرفتن را افضل از افطار آن می‌داند و روایات حاکی از افطار پیامبر در سفر را بر جواز حمل می‌کند و علت افطار ایشان را نیز مشقت هم سفرانش بیان می‌کند. افزون بر این، روایتی را مبنای حکم خویش قرار می‌دهد که بیان از روزه برخی مبارزان و افطار برخی دیگر از ایشان در سفر جنگی است؛ در نتیجه افطار در سفر را رخصتی از جانب پروردگار می‌شمرد، با اینکه روزه گرفتن افضل است» (ابن عربی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۸۱).

«عده‌ای از علمای اهل سنت، افطار روزه را افضل می‌دانند و نظر خود را به احمد بن حنبل نسبت داده‌اند و برخی نیز قایل به ترجیح نیستند؛ چون بر این باورند که پیامبر آن را بر عهده خود مکلف گذارده است» (قرطبی، ۱۴۱۹: ص ۱۴۲). قرطبی می‌گوید: «در مقابل عده اندکی از علمای اهل سنت بر اساس روایتی از عمر، ابن عباس و ابن عمر مبنی بر اینکه «إن الصوم لا ینعقد فی السفر» بر این عقیده‌اند که امر به افطار روزه سفر، از باب رخصت نیست، بلکه تکلیف و عزیمت است؛ زیرا اساساً روزه در سفر منعقد نمی‌شود و فرد باید پس از ماه رمضان قضای آن را به جای آورد. این گروه روایتی را از رسول خدا مبنی بر اینکه از بَر و نیکی نیست اگر کسی در سفر روزه باشد، مبنای قول خویش قرار می‌دهند و به آن استدلال می‌کنند که وقتی امری در تعبیر پیامبر جزء بَر و نیکی نباشد، پس جزء گناهان محسوب می‌شود؛ در نتیجه روزه رمضان در سفر صحیح نیست. قرطبی نظر این افراد را با روایات منقول از انس بن مالک حاکی از روزه دار بودن برخی از هم سفران پیامبر در سفر و بی روزه بودن عده‌ای دیگر در همان سفر در تفسیر خود نقد کرده است» (قرطبی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۲۸۶).

«علمای اهل سنت قضا را بر این افراد واجب و روزه ماه رمضان را مباح دانسته‌اند؛ بدان دلیل که واژه «فأفطر» را در میانه آیه در تقدیر گرفته‌اند. گویا آیه چنین می‌گوید: «فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فأفطر فعدة من أيام أخر» و آن را نشان لطیفی از فصاحت دانسته‌اند» (ابن عربی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۷۸).

نقد دلایل فقهای اهل سنت

اشکال این است که تقدیر گرفتن، بر خلاف ظاهر است. علمای شیعه تقدیر عبارت «فأفطر» را خلاف ظاهر می‌دانند. شیخ طوسی می‌فرماید: «این آیه دلالت دارد که مسافر و بیمار نباید روزه بگیرند؛ زیرا خداوند قضای روزه را به طور مطلق برای آنان واجب کرده است. هر فقیهی که قضای روزه را به سبب سفر و بیماری واجب دانسته است، روزه گرفتن در این مورد را واجب نمی‌داند... چنانچه در آیه عبارت "فأفطر" را تقدیر بگیرند، بر خلاف ظاهر آیه خواهد بود. عمر بن خطاب به وجوب روزه نگرفتن در سفر فتوا داده است...» (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۵۰). علامه طباطبایی فرموده است: «قایلان به جواز کلمه‌ای را در تقدیر گرفته، یعنی کسی که بیمار یا مسافر است، اگر افطار کند، باید روزهایی را که افطار کرده در روزهای دیگری به جای آورد. این قول باطل است؛ زیرا:

اولاً: همان طور که ادیبان تصریح کرده‌اند، تقدیر خلاف ظاهر است و به جز در صورت وجود قرینه، نباید به سراغ آن رفت و در این آیه قرینه‌ای برای تقدیر وجود ندارد.

ثانیاً: بر فرض وجود تقدیر نیز آیه دلالت بر جواز نمی‌کند؛ زیرا مقام، مقام تشریح است و نهایت چیزی که استفاده می‌شود، این است که افطار کردن معصیت نیست، بلکه جایز به معنای اعم است؛ یعنی جوازی که شامل وجوب، استحباب و اباحه است؛ اما اینکه افطار کردن جایز به معنای اخص یعنی اباحه باشد، قطعاً از آیه استفاده نمی‌شود، بلکه دلیلی بر خلاف آن وجود دارد؛ زیرا بنای کلام بر عدم بیان آنچه بیانش در مقام تشریح واجب

است، شایسته شارع حکیم نیست» (طباطبایی ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۱). «بنابراین تقدیر گرفتن خلاف ظاهر است» (سبحانی، ۱۳۸۶: ص ۷۴). «بر خلاف رأی بسیاری از علما و مفسران اهل سنت که افطار روزه رمضان را برای افراد نام برده به گونه تخییر و رخصت بیان کرده اند، اجماع علمای امامیه بر این است که عبارت "فعدة من أيام آخر" کسی که مریض و مسافر است، باید چند روزی از دیگر ایام سال را روزه بگیرد، دلالت بر عزیمت می کند و از آن رخصت استفاده نمی شود. به بیان دیگر ظاهر عبارت تصریح می کند که روزه ماه رمضان بر مریض و مسافر حرام است و نیز ظهور در این مطلب دارد که ایشان نباید در ماه رمضان روزه بگیرند، نه اینکه در ماه رمضان برای گرفتن یا نگرفتن روزه مخیر و مجاز هستند. این معنا افزون بر اینکه از ائمه اهل بیت روایت شده است، مذهب جمعی از صحابه همچون عبدالرحمن بن عوف، عمر بن خطاب، عبدالله بن عمر، ابوهیریه و عروة بن زبیر نیز هست» (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۲۰۲؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۱۷۶).

قطب راوندی در این باره همانند دیگر علمای امامیه تصریح می کند: «خداوند و جوب قضای روزه را به طور مطلق بیان کرده است؛ از این رو طبعاً روزه ماه رمضان بر افراد نام برده در آیه حرام و افطار آن واجب است. اینکه علمای اهل سنت قضا را بر این افراد واجب و روزه ماه رمضان را مباح دانسته اند، بدان دلیل است که واژه «فأفطر» را در میانه آیه در تقدیر گرفته اند. گویا آیه چنین می گوید: «فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فأفطر فعدة من أيام آخر» و آن را نشان لطیفی از فصاحت دانسته اند (ابن عربی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۷۸)؛ در حالی که این تقدیر بر خلاف ظاهر آیه و خروج بی پایه و بی دلیل از حقیقت به مجاز است. افزون بر اینکه چنین برداشتی با مضامین روایات خود اهل سنت تنافی دارد؛ از جمله اینکه عمر در سفر به مردی که روزه گرفته بود، امر کرد تا روزه اش را افطار و در غیر سفر اعاده کند یا فردی از عبدالله بن عمر در مورد روزه ماه رمضان در سفر سؤال کرد و او پاسخ داد این تصدقی است که خداوند بر بندگان کرده است؛ آیا ناخوش نمی داری اگر کسی صدقه تو را به تو باز پس دهد؟ یا روایت ابن عباس

که به صراحت افطار روزه در سفر را عزیمت می خوانند. به تعبیر فضل مقداد سیره رسول خدا بیان کننده این مطلب است؛ زیرا ایشان در سفرها روزه نمی گرفتند و کسانی را که خلاف سیره ایشان عمل می کردند و در سفر بر روزه خویش باقی می ماندند، «عصاة» می خواندند. در روایات اهل بیت نیز از روزه در سفر نهی شده است و افطار در سفر از سیره ایشان معرفی شده است» (قطب راوندی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۱۷۶ - ۱۷۷).

احادیث موافق با نظر فقهای امامیه

روایات وارد شده در این باره بسیارند؛ دقت در اسناد و مضمون آنها مؤید قرآن است و با قرآن مخالفتی نداشتند. در ادامه به برخی از روایات اشاره می شود.

۱. کلینی به سند خودش از زراره نقل می کند: رسول خدا (ص) فرمود: «افرادی را که روزه داشتند، در حالی که او افطار کرده و نماز را شکسته خوانده بود، گنهکار نامید و فرمود: اینها تا روز قیامت گنهکارند. من فرزندان و نوادگان آنها را تا به امروز می شناسم» (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۱۲۷).

۲. کلینی از ابن ابی عمیر از برخی یاران از امام صادق (ع) روایت می کند که از او شنیدم که می فرمود: «رسول خدا (ص) فرمود: خداوند متعال بر بیماران و مسافران امت من شکسته خواندن نماز و افطار کردن روزه را هدیه داده است؛ آیا کسی از شما دوست دارد که اگر هدیه ای دادید، به او بازگردد؟» (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۱۲۷، ح ۲).

۳. کلینی نقل می کند: از عده ای از اصحابش، از یحیی بن ابی العلاء از امام صادق (ع) فرمود: «شخصی که روزه بگیرد در سفر در ماه رمضان، مانند افطار کننده است در آن ماه در وطن؛ سپس فرمود: مردی خدمت پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، آیا روزه بگیرم در ماه رمضان در سفر؟ حضرت فرمود: خیر. سؤال کرد ای

- رسول خدا، بر من آسان است؟ حضرت فرمود: خداوند متعال بر بیماران و مسافران امت من، کوتاه خواندن نماز و افطار کردن روزه را هدیه قرار داده است؛ آیا کسی از شما دوست دارد که اگر هدیه دادید، به او بازگردد؟» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۱۲۴).
۴. «مسلم از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است که رسول خدا (ص) در سال فتح مکه از مدینه به مقصد مکه خارج شد، روزه بود تا به کراع الغمیم رسید؛ مردم هم روزه بودند. آن گاه ظرف آبی طلب کرد، آن را بالا برد تا مردم ببینند؛ سپس آب را نوشید. به پیامبر گفته شد: گروهی هنوز روزه اند؟ حضرت فرمود: آنان معصیت کارند» (نووی، ۱۳۸۴: ج ۷، ص ۲۳۲).
۵. ابن ماجه از عبدالرحمان بن عوف روایت می کند که پیامبر (ص) فرمود: «کسی که در ماه رمضان در سفر روزه بگیرد، به منزله کسی است که در وطن روزه اش را افطار کند». مسلم و بخاری در صحیح شان از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده اند که پیامبر (ص) فرمود: «روزه در سفر خوب نیست» (بخاری، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۴۴؛ مسلم، ۱۴۱۵: ج ۷، ص ۲۳۳).
۶. صحیح صنفوان: شیخ طوسی به اسناد خودش از حسین بن سعید از صفوان بن یحیی از ابی الحسن (ع) نقل کرده اند: «از امام درباره مردی که در ماه رمضان مسافر است و روزه می گیرد سؤال شد. امام فرمود: از موارد نیکی روزه گرفتن در سفر نیست». این روایت دلالت می کند روزه در سفر مشروع نیست (حر عاملی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۱۲۶).
۷. «محمد بن الحسن: باسناده عن الحسين بن سعيد عن عثمان بن عيسى عن سماعة قال سألته عن الصوم في السفر قال: لا صيام في السفر قد صام أناس على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله فسماهم العصاه، فلا صيام في السفر إلا الثلاثة أيام - التي قال الله تعالى في الحج (حر عاملی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۱۴۲): در سفر روزه نیست. زمان پیامبر (ص) عده ای در سفر روزه می گرفتند، آنها را گناهکار دانست؛ بنابراین روزه در

سفر نیست، مگر سه روز در ایام حج برای کسانی که پول قربانی ندارند، سه روز را در حج روزه می‌گیرند و هفت روز دیگر را هنگامی که به وطن برگشتند».

۸. موثقه عمار: باسناده (شیخ طوسی) عن احمد بن الحسن عن عمرو بن سعید عن مصدق بن صدقه عن عمار الساباطی: «عمار گفت از امام صادق (ع) سؤال کردم درباره کسی که می‌گوید: نذر کردم یک ماه یا کمتر یا بیشتر روزه بگیرم، کاری برایش پیش آمد مجبور شد مسافرت کند؛ آیا روزه بگیرد در حالی که مسافر است؟ حضرت فرمود: وقتی که مسافر است، باید افطار کند؛ برای اینکه روزه برای او حلال نیست؛ در حالی که مسافر است، روزه واجب نیست، روزه در سفر معصیت و گناه است» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۱۴۱).

فلسفه بطلان روزه مسافر

اگر گفته شود امروزه سفرها مانند گذشته همراه با سختی زیادی نیست؛ آیا با این وجود باز هم باید در سفر روزه نگرفت؟ خداوند به دلیل اینکه مسافران با مشکل روبرو نشوند، حکم به واجب نبودن روزه مسافر کرده است؛ چون سفرهای قدیم همراه با دشواری بوده است، حکم به باطل بودن روزه مسافر شده است و خداوند می‌فرماید: «لَا يَكُلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶): خداوند کسی را تکلیف به آنچه در توانش نیست نمی‌کند».

سخن فوق صحیح نیست؛ این افراد برای نظر خود به آیات قرآن استدلال کرده‌اند. خداوند فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵)؛ به نظر عده‌ای علت حکم روزه مسافر را بیان می‌کند. آنها می‌گویند چون سفر در قدیم به ویژه در عصر پیامبر (ص) که سفر با قاطر و اسب و شتر بوده است، با دشواری همراه بود، خداوند بر مسافر آسان گرفته است تا ایام دیگری را روزه بگیرد؛ اما اکنون که سفرها سختی گذشته را

ندارد، حکم منتفی است و روزه مسافر صحیح می باشد. اما حقیقت این است که عبارت «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» به حکم وجوب روزه بر می گردد. طبق بیان تفسیر نمونه خداوند می فرماید: «روزه نیز مانند سایر تکالیف الهی، آسان و مطابق طاقت بندگان است. به همین خاطر خداوند در هنگام بیان حکم روزه آن را با عباراتی از قبیل "كما كتب على الذين من قبلكم"، "ایام معدودات"، "ان تصوموا خیر لکم" و "یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر" همراه می کند» (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۴۶۱).

«در نتیجه عبارت فوق چه به اصل روزه یا به روزه مریض و مسافر برگردانیم، حکم روزه مسافر باقی است؛ زیرا علت اصلی دانسته نمی شود. بنابراین این عبارت، بیان کننده حکمت است نه علت تامه که با منتفی شدن آن حکم هم منتفی شود. فرق بین علت تامه و حکمت یک حکم در این است که با رفع علت یک حکم، خود حکم نیز مرتفع می شود؛ اما با رفع حکمت آن، حکم همچنان باقی است. بنابراین «أن الأحكام الشرعية تدور وجوداً و عدماً مع عللها لا مع حکمتها: احکام شرع دایممدار علل هستند نه حکمت هایشان و سختی سفر حکمتی برای حکم روزه مسافر است که با نفی آن حکم منتفی نمی شود. کوتاه سخن اینکه:

۱. تمام احکام الهی تابع اسرار و فلسفه هایی است که سبب تشریح آن احکام شده است.

۲. ما از قسمت عمده فلسفه احکام. هر چند به تعلیم خداوند و پیامبر و جانشینانش. باخبریم؛ ولی بخشی از آن هنوز بر ما پنهان است.

۳. اطاعت اوامر الهی با آگاهی از فلسفه هایش جاذبه بیشتری دارد؛ ولی هرگز مقید به آن نیست. ما باید اوامر او را به کار بندیم و از نواهی او پرهیزیم؛ خواه فلسفه حکم را بدانیم یا ندانیم.

۴. احکام بر محور موضوعاتش دور می زند که از آن تعبیر به «علت» می کنیم نه بر محور فلسفه ها؛ چراکه فلسفه ها که از آن تعبیر به «حکمت» می کنیم، جنبه غالبی دارند نه دایمی.

۵. اگر بعد از تلاش به فلسفه حکم نرسیدیم، باز آن حکم برای ما محترم است؛ انگیزه اصلی اطاعت فرمان خداوند حکیم است» (مکارم، ۱۴۲۷: ص ۴۱۷-۴۱۸). روایات نیز «سختی» را به عنوان «علت تامه» در احکام مسافر ردّ می‌کنند. امام صادق (ع) فرمود: «شخصی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، آیا در ماه رمضان در سفر روزه بگیرم؟ حضرت فرمود: خیر. سپس آن شخص گفت: این کار بر من آسان است. حضرت فرمود: خداوند عزّوجلّ بر بیماران و مسافران امت من روزه نگرفتن را تصدّق کرد؛ آیا خوب است که به یک نفر از شما صدقه‌ای داده شود و او ردّ کند» (حرعاملی، ۱۴۰۱: ج ۱۰، ص ۱۷۵). اگر سختی دلیل بطلان روزه مسافر بود، پیامبر (ص) در پاسخ آن شخص گفت: «إِنَّهُ عَلَىٰ يَسِيرٍ»، سخن دیگری می‌فرمود و او را امر به روزه گرفتن می‌کرد.

نتیجه

از مجموع آنچه در این پژوهش آمد، روشن شد:

۱. آیات بیان شده در ارتباط با روزه ماه مبارک رمضان روزه را بر کسانی که در وطن هستند، واجب و بر مسافر و مریض و کسانی که طاقت نداشتند روزه بگیرند مانند پیرمردان و پیرزنان جایز نمی‌داند.

۲. دو گروه مریض و مسافر باید بعد قضای روزهایی را که روزه نگرفته‌اند، انجام دهند.

۳. کسانی که روزه بر آنان مشقت دارد، باید فدیّه بدهند که همان کفاره روزه است. از مجموع آیات و روایات نقل شده دو دیدگاه برداشت شد:

الف) نظر فقهای امامیه که قایل به حرمت روزه گرفتن در سفر با استناد به آیات ذکر شده بودند، نظر بعضی از صحابه از جمله عبدالرحمان بن عوف، عمر و فرزندش عبدالله، ابوهریره و عایشه، ابن عباس و بعضی از تابعین هم همین نظریه را پذیرفته‌اند؛ افزون بر این احادیث نقل شده از اهل بیت (ع) و برخی احادیث اهل سنت همین نظریه را اثبات می‌کند.

ب) نظریه فقهای اهل سنت که بیشتر آنان قایل به تخییر و رخصت مسافر در روزه‌گرفتن در سفر بودند؛ این نظریه با استفاده از آیات و روایات نقد شد. آنان برای اثبات نظر خویش کلمه «فاطر» را در تقدیر گرفتند که تقدیرگرفتن خلاف ظاهر است، مگر اینکه قرینه‌ای در کلام وجود داشته باشد که چنین قرینه‌ای وجود ندارد. همچنین با تقدیرگرفتن هم آیه بر نظر آنان دلالت ندارد. دیدگاه علامه طباطبایی در این باره تبیین شد.

با توجه به آنچه در پژوهش بیان شد، دیدگاه فقها و مفسران امامیه مبنی بر حرام بودن روزه‌گرفتن در سفر و عزیمت بر ترک آن به اثبات رسید.

کتاب‌نامه

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن حزم، علی بن احمد [بی تا]؛ المحلی؛ بغداد: دیوان الوقف السنی، مرکز للبحوث والدراسات الاسلامیه.
 ۲. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ ق)؛ أحكام القرآن؛ تحقیق: علی محمد بجاوی؛ چ اول، بیروت: دار الجیل.
 ۳. ابن قدامه، عبدالله ابن احمد (۱۳۴۷)؛ المغنی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۴. ابن کثیر، اسماعیل بن الکثیر (۱۳۸۸ ق)؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ ق)؛ لسان العرب؛ [بی جا]: نشر أدب الحوزة.
 ۶. خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۰ ش)؛ تحریر الوسیله؛ قم: دار الکتب العلمیه.
 ۷. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۱ ق)؛ صحیح البخاری؛ بیروت: دار الکتب العربی.
 ۸. جصاص، احمد بن علی الرازی (۱۳۳۵ ق)؛ احکام القرآن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۹. جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم (۱۳۶۲)؛ تفسیر شاهی أو آیات الأحکام؛ مقدمه نویسنده: ولی الله اشراقی؛ چ اول، تهران: نوید.
 ۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳ ق)؛ وسائل الشیعه؛ بیروت: دارالاحیاء.

۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۹۲ ق)؛ معجم مفردات الفاظ القرآن؛ نجف: المكتبة المرتضویه.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۳۸۶ ش)؛ «روزه نگرفتن در سفر از منظر کتاب و سنت»؛ فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، ش ۵.
۱۳. سرخسی، شمس الأئمه محمد بن احمد (۱۴۱۴ ق)؛ المبسوط؛ بیروت: دار المعرفه.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۹۹ ق)؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ بیروت: دارالکتب.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۱۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۸۴)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۷. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر (۱۴۲۰ ق)؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۶ ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳)؛ کنز العرفان فی فقه القرآن؛ تصحیح: محمد باقر شریف زاده و محمد باقر بهبودی؛ چ اول، تهران: مرتضوی.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عامر [بی تا]؛ التفسیر الکبیر؛ تهران: دارالکتب العلمیه.
۲۱. فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ ق)؛ العین؛ تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی؛ چ هشتم، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۲۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۵۴)؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۹)؛ الجامع لاحکام القرآن؛ بیروت: دارالفکر.
۲۴. قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ ق)؛ فقه القرآن (راوندی)؛ تحقیق: احمد حسینی اشکوری، به اهتمام: محمود مرعشی؛ چ دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)؛ اصول الکافی؛ بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. قشیری النیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۵ ق)؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. — (۱۴۲۷ ق)؛ دائره المعارف الفقه المقارن؛ قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
۲۹. نووی، یحیی بن شرف (۱۳۸۴ ق)؛ شرح صحیح المسلم؛ اسکندریه (مصر)؛ دارالایمان.